

## سلامت

**گفت‌وگو با بیمارانی که با کووید ۱۹ دست‌وپنجه نرم می‌کنند:**

## فکر نمی‌کردیم کرونا بگیریم

**بخش اجتماعی** – «من از زمان شیوع کرونا از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده نکرده‌ام و در این مدت در هیچ جمع و اجتماعاتی هم حضور نداشتم، اما مبتلا به کرونا شده‌ام؛ کرونا از آنچه فکر می‌کنیم به ما نزدیک‌تر است.»

اکثر افرادی که کرونا گرفته‌اند، نمی‌دانند که از چه کسی گرفته‌اند یا چطور مبتلا شده‌اند، خیلی از آنها هم سفت و سخت نکات بهداشتی را رعایت کرده‌اند، اما جنگیدن با ویروسی نامرئی کار آسانی نیست، مخصوصاً وقتی که همه تیم شما مجهز نباشد و حریف را دست کم بگیرد؛ حریفی که با همه کوچکی‌اش در شش روز اخیر و در هر روز حدود ۲۵۰۰ نفر را مبتلا کرده و حدود ۱۵۰ نفر را هم در کشور به کام مرگ کشانده است.

برای بسیاری از مردم، همان‌هایی که نه ماسک می‌زنند، نه فاصله اجتماعی را رعایت می‌کنند، نه به دوره‌می‌ها دست رد می‌زنند و … مبتلا شدن به ویروس کرونا دور از ذهن است، اما واقعیت این است که این ویروس بیخ گوش همه ما نشسته است. آمار مبتلایان و فوت‌شدگان کرونا در کشور لحظه به لحظه روبه افزایش است و حتی اگر یک نفر پروتکل‌های بهداشتی را رعایت نکند، زنجیره مبتلایان به این ویروس قطع نخواهد شد.

خانم ملک‌شاهی مادر دو فرزند است و به شدت پروتکل‌های بهداشتی را رعایت می‌کرده، اما حدود ۱۸ روز پیش به بیماری کرونا مبتلا شده است. او درباره دوران بیماری و قرنطینه‌اش می‌گوید: همه چیز از تب ۲۴ ساعته من شروع شد. بعد از گذشت یک روز از تب و قطع نشدن آن به دکتر مراجعه کردم. در آزمایش خون اولیه من موردی از این بیماری دیده نشد اما بعد از گذشت چند روز علائمی مثل مشکلات گوارشی، از بین رفتن حس بویایی و چشایی، سرفه و… در من دیده شد. او ادامه می‌دهد: بلافاصله برای تست کرونا اقدام کرده و متوجه شدم که به ویروس کووید ۱۹ مبتلا هستم. من از زمان شیوع ویروس کرونا از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده نکرده‌ام. در این مدت در هیچ جمع و اجتماعاتی حضور پیدا نکردم. تنها به سرکار و خرید می‌رفتم اما نمی‌دانم که چطور به این ویروس مبتلا شدم. علائم من در زمان قرنطینه و در طول روز تغییر می‌کرد. به عنوان مثال بعد از چند روز بی‌اشتهایی وقتی توانستم چند قاشق سوپ بخورم، تنگی نفس به سراغم آمد.

خانم ملک‌شاهی بیان می‌کند: خداراشکر در این مدت، همسر و دو فرزندم مبتلا نشدند، من واقعا نمی‌دانم که چطور به این بیماری مبتلا شدم. از زمان شیوع ویروس کرونا به طور مداوم نکات بهداشتی را رعایت می‌کردم. حتی روزی فکر نمی‌کردم که گرفتار این بیماری بشوم. کرونا از هر چیزی که ما فکر می‌کنیم به ما نزدیک‌تر است، چرا که این بیماری هر روز چهره جدیدی از خود نشان می‌دهد. من هرکاری از دستم برمیآید برای بهبودی مبتلایان وخیم این بیماری انجام می‌دهم.

او درمورد اهدای پلاسما می‌گوید: متأسفانه به دلیل کم‌خونی نمی‌توانم پلاسمای خود را برای درمان مبتلایان اهدا کنم. آقای کبیر، استاد دانشگاه و همسر ایشان دکتر بیمارستان منتصر به هستند. خانواده پنج نفری آن‌ها همگی در گیر کرونا شدند. او عنوان می‌کند: بیمارستان به دلیل اینکه محل رفت و آمد بیماران است و کادر درمان با بیماران ارتباط نزدیک دارند، کادر درمان هم به این بیماری مبتلا می‌شوند. همسر من نیز در بیمارستان مبتلا به ویروس کرونا شد. بعد از مثبت شدن تست ایشان، من و سه فرزندم نیز تست کرونا دادیم که متأسفانه تست‌های ما نیز مثبت شد. علائم این بیماری در خانواده ما به هیچ عنوان شبیه به هم نبود، علائم این بیماری در همسر مشکلات ربوی و تنفسی بود. دخترم که نسبت به دیگر اعضای خانواده ضعیف‌تر است، بعد از چند روز اکسیژن خونس پایین آمد. او ادامه می‌دهد: ما ۱۰۰ درصد خریدها و مایحتاج خانه را به صورت اینترنتی انجام می‌دهیم. فقط در موقع خرید نان، پسرم که هیچ علامتی نداشت با ماسک و دستکش به نانوایی می‌رفت. در سه هفته‌ای که در قرنطینه بودیم تنها یک بار با ماشین به بیابان‌های اطراف شهر رفتیم و بعد از مطمئن شدن نسبت به عدم وجود فرد دیگری در آنجا پیاده شدیم و به اصطلاح نفسی کشیدیم. آقای صادقی کارمند است. او درمورد نحوه مبتلا شدنش به کرونا می‌گوید: حدود یک هفته است که متوجه شدم به ویروس کرونا مبتلا شدم. من نمی‌دانم چطور، چگونه و از چه کسی این ویروس را گرفتم. حدود یک هفته قبل از آن علائمی مانند سرماخوردگی داشتم. بعد از مثبت‌شدن تست کرونای همکارم، من و همسر من نیز تست کرونا دادیم که متوجه شدیم هر دو به ویروس کووید۱۹ مبتلا هستیم. من عموماً از ماسک استفاده می‌کردم. دست‌هایم را به طور مرتب می‌شستم و ضدعفونی می‌کردم.

او ادامه می‌دهد: من علائم خفیفی از این بیماری مانند بدن درد، خستگی، کوفتگی، درد در قفسه سینه و… داشتم. درد و خستگی‌ام در طول روز خیلی کم است، اما شب در زمان خواب بسیار به سراغم می‌آید. تنها دارویی که دکتر به من داده، استراحت در خانه است. در کنار آن داروهای ساده و معمولی سرماخوردگی مثل استامینوفن نیز به من داده است. به دلیل اینکه من و همسرم به این ویروس مبتلا هستیم، من هر چند روز یک‌بار اقلام مورد نیاز را از بیرون مغازه تهیه می‌کنم و به سرعت به خانه برمی‌گردم. کارهای اداره‌ام را هم به صورت اینترنتی از خانه انجام می‌دهم.

صادقی اضافه می‌کند: می‌دانم که مردم از رعایت پروتکل‌های بهداشتی خسته شده‌اند و دوست دارند به زندگی عادی قبل از کرونا برگردند اما باید حتی‌الامکان موارد بهداشتی و فاصله اجتماعی را رعایت کنند تا به این بیماری مبتلا نشوند. تنها زمانی، کسی فشار این

علی کشمیری اسفند ماه به ویروس کووید ۱۹ مبتلا شد. او نمی‌داند که چطور به این ویروس دچار شد اما فکر می‌کند به دلیل استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی است. او پس از داشتن علائم سرماخوردگی به دکتر مراجعه کرده اما دکترها به او گفته‌اند در خانه استراحت کن، او عنوان می‌کند: من بعد از چند روز استراحت در منزل بهتر نشدم و مجدد به دکتر مراجعه کردم اما باز هم به من گفتند که به خانه بروم. زمانی که علائم تنفسی من بیشتر شد، در بیمارستان قائم بخش حادثنفسی به مدت یک هفته بستری شدم.

## {اجتماعی}



# حدیث ۱۱ ساله، قربانی جدید فرزندکشی

**بخش اجتماعی** – ماجرای قتل «رومینا اشرفی» دختر ۱۴ساله اهل روستایی در تالش استان گیلان به دست پدرش و رسانه‌ای شدن این حادثه سبب شد مادر حدیث هم سراغ وکیل برود تا صدای دخترش خاموش نماند. ۲۸ اسفند ۹۸، تنها ۲ روز مانده به سال نو، صدای شیون از خانه‌ای در خیابان ۲۰ متری جانبازان، نبش کوچه گلستان سوم شهرستان «خوی»، شنیده شد. صدایی که حکایت از گریه‌های مادری داشت که بدن دختر ۱۰ساله‌اش را در آغوش گرفته بود و به سمت بیمارستان می‌دوید.

پلیس از همان ابتدا به پدر خانواده مشکوک می‌شود، اما مرد زیر بار نمی‌رود. تا اینکه در نهایت اعتراف می‌کند و می‌گوید: «دخترم صدای تلویزیون را خیلی بلند کرده بود. یک لحظه عصبانی شدم و دیگر نتوانستم خودم را کنترل کنم.» به گفته حسین الف، یک لحظه عصبانیت عامل قتل یک دختر ۱۰ساله بوده است، اما وقتی سراغ پیگیری هرچه بیشتر این پرونده برویم، ابعاد دیگری نمود می‌یابد؛ ابعاد دیگری از حقیقت که با گفته‌های این مرد تفاوت‌های زیادی دارد.

ویروس کرونا و سال نو باعث شده بود پیگیری‌های حقوقی این پرونده به تعویق بیفتد، اما در نهایت، به ویژه پس از ماجرای قتل «رومینا اشرفی» دختر ۱۴ساله اهل روستایی در تالش استان گیلان به دست پدرش و رسانه‌ای شدن این حادثه، مادر حدیث هم سراغ وکیل رفت تا صدای دخترش خاموش نماند.

**وکیل پرونده:**

**قاتل در اعترافاتش نوشته که خواب دخترش را دیده و حالا عذاب وجدان دارد**

«بشیر کریمخانی»، وکیل پایه‌یک دادگستری، وکالت این پرونده را بر عهده گرفته است. کسی که از سوی مادر حدیث، خواهان اشد مجازات برای پدر این دختر است. این وکیل دادگستری در توضیح هرچه بیشتر این پرونده به اعتمادآنلاین می‌گوید: «از همان ابتدای وقوع این حادثه که پرونده در دست پلیس جنایی قرار گرفت پلیس به پدر خانواده مشکوک شده بود. در تحقیقات بازپرسی او منکر هر چیزی می‌شد، اما در نهایت اعتراف کرد که دخترش را کشته است. پزشکی قانونی هم تایید کرده که دختر خفه شده است. حسین الف یعنی مرد این خانواده در اعترافات خود بعد از اینکه مسئولیت قتل را بر عهده می‌گیرد می‌گوید که حالا دچار عذاب وجدان شده و خواب دخترش را دیده است. او همچنین خواسته که به سزای عملش برسد.»

کریمخانی با اشاره به برعه اعترافات حسین الف ادامه می‌دهد: «او درباره اینکه چرا تصمیم به این کار گرفته است هم توضیح داده که وقتی در خانه بوده،

### اخاذی خواستگار شیاد از خانم دندانپزشک



**بخش اجتماعی** – چند روز قبل خانمی ۵۵ ساله با مراجعه به پلیس فتا از مردی ۳۵ ساله شکایت کرد و گفت: من دندانپزشک هستم و در یکی از خیابان‌های شمال تهران مطب دارم. مدتی قبل یکی از بیمارانم که خانمی ۴۵ ساله و ساکن تهران است مرا با مردی جوان آشنا کرد و از آن به بعد با قصد ازدواج با هم در شبکه اجتماعی واتساپ گفتگو کرده و اطلاعات و مشخصات خودمان را برای هم ارسال کردیم.

او گفت: این مرد جوان اوایل خیلی به من ابراز علاقه می‌کرد و چند بار هم برای دیدنم به مطب آمد تا اینکه اعتماد مرا کامل جلب کرد و من هم تعدادی از تصاویر شخصی خود را برای او ارسال کردم.اما بعد از گذشت یک ماه همان خانم معرّف به مطب مراجعه کرد و تعدادی از تصاویری که من برای آن مرد فرستاده بودم را به من نشان داد در حالی که خیلی تعجب کرده و شوکه شده بودم با متهم تماس تلفنی گرفتم و علت این کارش را از او جویا شدم که در کمال نابلوری به من گفت به‌دلیل اینکه به وی تهمت زده‌ام قصد انتقامجویی داشته است و حالا هم باید به او پول بدهم تا دست از ادامه انتشار تصاویرم بردارد. به گزارش الف سرهنگ داوود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتا تهران بزرگ با اشاره به اینکه پرونده با هماهنگی دادرسی مبارزه با جرایم رایانه‌ای در دستور کار کارشناسان فتا قرار گرفت، گفت: متهم که مردی ۳۵ ساله ساکن تهران میدان رسالت بود، شناسایی و به پلیس فتا احضار شد.متهم در اعترافات خود اظهار داشت با شاکای از طریق خانمی آشنا شدم و قصد ازدواج با وی را داشتم، اما او همه جا گفته بود من برایش قصد مزاحمت داشته‌ام و آبروی مرا برده بود که من هم به قصد انتقامجویی تصاویر خصوصی اش را برای همان خانم فرستادم. سرهنگ گودرزی در ادامه با اشاره به اینکه پرونده به دادرسی مبارزه با جرایم رایانه‌ای ارسال شده گفت: زندگی در فضای مجازی، باید و نبایدهای خود را دارد و یکی از مهم‌ترین جرایم ارتكایی در فضای مجازی توهین و افترا و انتشار اطلاعات مجرمانه افراد است که در موضوع انتشار، آنچه که اهمیت دارد توهین‌آمیز بودن رفتار است؛ چراکه انتشار اطلاعات شخصی و مجرمانه دیگران جرم است، خواه در فضای واقعی اتفاق بیفتد یا در فضای مجازی. کاربران بدانند که فرهنگ و قوانین فضای مجازی همان بایدها و نبایدها در زندگی واقعی است.

## {اجتماعی}

سال بیست و چهارم / شماره ۵۵۰۵

خانه رسیدم و فضای خانه اضطرابم را بیشتر کرد. روفرشی به هم ریخته بود، وسیله‌های خانه روی زمین ولو شده بودند. همه چیز نامرتب بود. گوشه‌ای از خانه هم دختر بیچاره‌ام با صورتی کبود افتاده بود.»

همه تلاشش را می‌کند تا بدون اشک ریختن، بغضش را فرو بخورد: «دیگر نمی‌دانید چه حالی داشتیم. برادرشوهرم را صدا زدم و منتظر آمبولانس نماندیم. دخترم را بغل کردم و دویدم. فقط می‌خواستم صورت خندان دخترم را دوباره ببینم، اما وقتی به بیمارستان رسیدیم دیگر دخترم تمام کرده بود. از آن روز تا الان که با شما صحبت می‌کنم نه خواب دارم و نه خوراک. تمام شب را کلبوس می‌بینم. زندگی به کامم زهرمار شده است. دختر پاک و بی‌گناه من قربانی هوسرانی پدرش شد.»

رحیمه ۲۳ سال داشته که ازدواج می‌کند. با مردی از فامیل که سه سال هم از او کوچک‌تر بوده. دوست نداشته ازدواج کند، اما پدرش مجبورش می‌کند. وقتی از رحیمه می‌پرسم که بعد از اینکه متوجه خیانت شوهرت شدی نخواستی جدا شوی، می‌گوید نمی‌خواستم دخترم بی‌پدر شود: «سراغ طلاق نرفتم چون دلم برای دخترم می‌سوخت. نمی‌خواستم او بی‌پدر و بی‌خانواده بزرگ شود. همه تلاشم را کردم تا آن مرد را دوباره به زندگی برگردانم. اما او دیگر مرد زندگی نشد. حتی به شوهرم هم گفته بودم، بگذار این دختر را به سروسامان برسانیم بعد هر کاری که دوست داشتی بکن اما نشد. قصدم محافظت از دخترم بود، اما نمی‌دانستم همین پدر قاتل تنها فرزندمان می‌شود.»

او در پاسخ این سوال که آیا شوهرش پیش از این هیچ‌وقت تهدیدهایش را عملی هم کرده بود یا نه؟ توضیح می‌دهد: «اردیبهشت سال گذشته داشتیم با ماشین به خانه می‌رفتیم که ناگهان گفت می‌خواهم برایت آب‌هویج بخرم. آن آبمیوه را که خوردم در مسیر خانه مدام سرگیجه داشتم. فشارم لحظه به لحظه افت می‌کرد. تا دم کما رفتم و سه روز تمام هم در **CCU** بودم. روز آخر پرستار از من پرسید چه موادی مصرف می‌کنی؟ من که خیلی بهم برخوردده بود گفتم، چرا چنین سوالی می‌پرسید؟ گفت حتماً باید مواد مصرف کرده باشی که پزشکان به تو چنین مسکن‌هایی بزنند. همان موقع شک کردم که خودش کاری کرده و چیزی در آبمیوه‌ام ریخته است اما به روی خودم نیاوردم.»

اما این تنها دفعه‌ای نبود که رحیمه چنین حسی پیدا کرد: «یک بار دیگر هم نزدیک خانه ناگهان پایش را روی گاز گذاشت و از کنارم گذشت. بعدها به مادربزرگش گفت که می‌خواستم با ماشین به رحیمه بزنم، اما از قصاصش ترسیدم. بعد که من به رویش آوردم گفت، نه مادربزرگم دروغ گفته است.» به گفته رحیمه، این مرد همیشه در دعوای تهدید می‌کرد و می‌گفت بالاخره یک روز تو را می‌کشم اما او تصورش را ندهم نمی‌کرد که برای دخترش هم برنامه‌ای داشته باشد. تا اینکه حسین الف در دادگاه گفت که پیش از این حادثه، از همسایه درباره جرم کارش هم پرسیده و فهمیده بود که اگر دخترش را بکشد، دیگر قصاصی بر گردنش نیست: «حتماً برای همین هم همیشه می‌گفت اگر تو را بکشم قصاص می‌شوم، اما فهمیده بود که با قتل دخترش قصاصی در انتظارش نیست. یک بار هم دخترم تعریف کرد که با دخترعمه‌اش در خانه بوده که پدرش سراغش می‌رود و خواسته خفه‌اش کند و وقتی دخترم اعتراض می‌کند دستش را برمی‌دارد و می‌گوید، شوخی کردم.» می‌پرسم هیچ کدام از این حرف‌ها باعث نشد که تصمیم بگیري به این زندگی خاتمه بدهی: «نه، فکرش را هم نمی‌کردم حرف‌هایش را عملی کند. تصور می‌کردم بلوف می‌زند. باورم نمی‌شد دست به چنین کاری بزنم. حالا اما خوب می‌فهمم که حرف‌هایش جدی بود و آن روز حادثه هم کاملاً با برنامه دست به قتل دختر بیچاره من زد. اگرچه با صحنه‌سازی ابتدا گفت که دزد آمده و دروغ‌های زیادی سرهم کرد و بعد از آن گفت که از روی عصبانیت ناگهانی چنین کاری کرده، اما حالا دیگر خوب می‌دانم همه کارهایش با برنامه قبلی بوده است.»

رحیمه حالا دیگر نمی‌خواهد صدای دخترش خاموش بماند: «او می‌دانسته که چون پدر است قانون مجازات سنگینی برایش لحاظ نمی‌کند. گفته دیه می‌دهم و چند سالی هم در زندان می‌مانم، بعد هم با همان دختر زندگی‌ام را می‌کنم. اما من از مسئولان درخواست می‌کنم اجازه ندهند او به هدفش برسد. یک قانونی بگذارید تا دختران ما این‌طور قربانی نشوند. دختر ۱۰ساله من هنوز فرصت گناه و اشتباه کردن هم پیدا نکرده بود. من دیگر زندگی ندارم، چرا آن قاتل باید روزی از زندان آزاد شود؟ من اشد مجازات و قصاص را برایش می‌خواهم. خواهش‌ا صدای ما را به گوش مسئولان برسانید. حدیث من هیچ گناهی نداشت. حقش نبود.»

# آگهی فراخوان عمومی (نوبت دوم)

**مؤسسه عمران صنعت** در نظر دارد تأمین مصالح دانه بندی شده در بندر کاسپین واقع درمنطقه آزاد بندرانزلی استان گیلان با شرایط ذیل را از طریق برگزاری دو مناقصه جداگانه به تامین کننده واجد شرایط واگذار نماید:

### مناقصه شماره یک

۱- خرید ۹ هزار تن ماسه شسته رودخانه با دانه بندی استاندارد جهت مصرف در بتن- تحویل در محل سنگ شکن

۲- خرید ۶ هزار تن شن شکسته رودخانه با دانه بندی استاندارد جهت مصرف در بتن - تحویل در محل سنگ شکن

۳- خرید ۳ هزار تن ماسه شسته رودخانه با دانه بندی استاندارد جهت مصرف در بتن = تحویل در محدوده بندر کاسپین

۴- خرید ۲ هزار تن شن شکسته رودخانه ای با دانه بندی استاندارد جهت مصرف در بتن - تحویل در محدوده بندر کاسپین

- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال(صد میلیون ریال)

### مناقصه شماره دو

## خرید ۳۰ هزار تن مصالح اساس با دانه بندی استاندارد

- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (یکصد و بیست میلیون ریال)

- هزینه خرید اسناد مناقصه به صورت جداگانه ۲۰۰,۰۰۰ ریال می باشد .

لذا از کلیه پیمانکاران واجد شرایط که تمایل به حضور در فراخوان را دارند دعوت می شود حداکثر سه روز از تاریخ چاپ آگهی از ساعت ۸ الی ۱۵ با در دست داشتن معرفی نامه و رزومه مرتبط جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس های زیر مراجعه نمایند.

**الف) تهران – خیابان شهید کلاهدوز (دولت) – جنب بلوار کلاه – روبروی کارگزاری بورس – کوچه طلاکوب – موسسه عمران صنعت.** شماره تماس:۰۲۱۲۲۷۸۰۳۸۷-۰۲۱۲۲۷۶۲۰۰۹

**ب) استان گیلان-کیلومتر ۵ جاده زیباکنار-کارگاه احداث موج شکن شرقی مجتمع بندری کاسپین.** شماره تماس:۰۱۳۳۴۴۳۷۹۳۱

هزینه آگهی برعهده برنده مناقصه می باشد.

### مؤسسه عمران صنعت